

جهانی شدن در فرهنگ علوی

محمدباقر بابایی طلائی¹

تاریخ دریافت: 1390/11/20 تاریخ پذیرش: 1391/1/23

چکیده

ماهیت آموزه‌های فرهنگ علوی گویای این حقیقت است که بر زندگی انسان، نظامی حاکم است که انسان نقشی در ایجادش نداشته، ولی می‌تواند با توجه به سائقه‌های ذاتی عدالت‌خواهی، کمال‌جویی، حق‌طلبی و زیبادوستی در مانایی و پویایی آن نقش-آفرین باشد. این نظام در مرحله‌ی دنیوی از بدو آفرینش آدم (ع) آغاز شده و تا ظهور حضرت مهدی (عج) و حاکمیت صالحان ادامه خواهد داشت. این نظام فراگیر بوده و شامل همه‌ی انسان‌ها با قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف می‌شود و محدودیت جغرافیایی برنمی‌تابد. این نظام دارای چشم‌اندازی است که مقوله‌های جهان‌شمولی، اختیاری بودن، حاکمیت صالحان، به رسمیت شناختن سایر فرهنگ‌ها، فرا انسانی بودن و ثبات در قوانین و مقررات از مهم‌ترین آنها می‌باشد. تفکر توحیدی و اندیشه‌ی منطقی به همراه عملکرد مناسب و رفتار صالح از مهم‌ترین سیاست‌های استراتژی دست‌یابی به این چشم‌انداز است کاهش فاصله‌ها و درهم شکستن مرزهای جغرافیایی در پی رشد و توسعه‌ی پرشتاب وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی‌های ارتباطی-اطلاعاتی فرصت تاکتیکی و تکنیکی را پیش روی مشتاقان فرهنگ علوی قرار داده است تا بتوانند آموزه‌های آن را به جهانیان عرضه داشته و هویت جهانی آن را به نمایش بگذارند که تحولات منطقه‌ای و جهانی از نشانه‌ها و بارقه‌های تحقق این چشم‌انداز می‌باشد. در این مقاله سعی شده این پدیده مورد مطالعه قرار گرفته و زوایای آن با رویکرد علوی و به روش مبنایی مورد بازکاوی و تحلیل قرار گیرد.

کلید واژه

فرهنگ علوی، جهانی شدن، چشم‌انداز جهانی شدن، مکانیزم جهانی شدن

مقدمه

به رغم کاربرد گسترده‌ای که واژه‌ی جهانی شدن در بیش از یک دهه‌ی گذشته پیدا کرده، معنا و مفهوم آن همچنان مناقشه برانگیز است و بسته به این که از چه زاویه و با چه نگرشی به آن نگریسته شود، معنا و مفهوم متفاوتی پیدا خواهد کرد. ظهور واژه‌های مختلفی همچون «جهانی شدن»، «جهانی‌سازی»، «جهان‌گرایی»، «غربی‌شدن» و «آمریکایی شدن» در بسیاری از جوامع از جمله ایران بیانگر این امر می‌باشد.

این اختلاف دیدگاه‌ها باعث شده تا در حالی که گروهی با نگاه کاملاً مثبت به پدیده‌ی جهانی شدن می‌نگرند و آن را یک فرایند می‌دانند که در بردارنده‌ی فرصت‌های زیادی برای جوامع است، گروه دیگری این پدیده را یک امر منفی تلقی می‌کنند و آن را پروژه‌ای می‌دانند که از سوی صاحبان قدرت در جهان در جهت منافعشان طراحی شده است. البته در بین این دو دیدگاه، دیدگاه بینابینی هم بر این باور است که جهانی شدن همچون هر پدیده‌ی دیگری در ذات خود فرصت‌ها و چالش‌هایی را به همراه دارد و کشورها و جوامع باید با شناخت دقیق آن، از فرصت‌ها به نفع خویش سود جویند و از چالش‌های احتمالی آن به دور مانند.

صرف‌نظر از این اختلاف نظرها، پدیده‌ی جهانی شدن شامل طیف گسترده‌ای از روندهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که در کاربرد عمومی خود بر معانی مختلفی دلالت می‌کند. گستردگی زوایای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فرآیند جهانی شدن از جهات مختلف بر زندگی اجتماعی و فردی شهروندان کشورهای مختلف تأثیر گذاشته است.

بین نظریه‌پردازان اتفاق نظر در علت ایجاد وضعیت جهانی شدن دیده نمی‌شود. اختلاف نظرها در خصوص ماهیت جهانی شدن موجب شده تا بحث‌ها بیشتر بر آثار جهانی شدن متمرکز شود تا جهانی شدن به مثابه یک نظریه.

اگر چه مجموع این روندها موجب شده تا کارشناسان، سیاستمداران و اندیشمندان این وضعیت را «جهانی شدن» بنامند، اما همچنان این پرسش بنیادین مطرح است که معنی «جهانی شدن» واقعاً چیست؟ ما در این مقاله سعی کرده‌ایم این اصطلاح را با رویکرد فرهنگ علوی مورد بازکاوی قرار دهیم؛ گرچه بعضی وقت‌ها بالاجبار برای تبیین موضوع از متغیر رقیب (فرهنگ غربی) نیز استفاده کرده‌ایم.

فرهنگ علوی

تعریف این مفهوم مرهون تعریف دو مؤلفه‌ی «فرهنگ» و «علوی» است. تعاریف زیادی برای فرهنگ ارائه شده است که بیان آن‌ها شایسته‌ی این مقاله و مقصود آن نیست، ولی می‌توان آن را به مجموعه عواملی تعریف کرد که مورد پذیرش جوامع انسانی بوده و در زندگی آن‌ها اثرگذار می‌باشد. فرهنگ در یک تقسیم‌بندی عمومی، به سه لایه‌ی زیرین، میانی و رویین تقسیم می‌شود که در بخش زیرین سخن از بایدها و نبایدها و ارزش‌ها و مفروضاتی است که بر پایه‌ی آن‌ها لایه‌ی دوم یعنی الگوها شکل می‌گیرد و پایه‌ی رفتاری و مصنوعات لایه‌ی سوم را می‌سازد (بابائی، 1384).

نکته‌ی بارزی که در هر سه لایه وجود دارد و باعث تفاوت‌ها می‌گردد، نوع رویکرد و پارادایمی است که بر اساس آن‌ها لایه‌ها تفسیر، تبیین و تصدیق می‌شوند. باید و نباید یا ارزش و یا الگو و همچنین رفتار، واژه‌ها و مفاهیم عامی است که در همه‌ی ملیت‌ها و اقوام و حتی در زبان‌های مختلف پذیرفته شده و مورد اتفاق می‌باشد. هیچ اندیشمندی را نمی‌توان پیدا کرد که در تأثیر این سه در فرهنگ و به‌طور طبیعی در زندگی شبهه‌ای داشته باشد. ابهام و اختلاف از زمانی شروع می‌شود که در چیستی، هویت، کیفیت و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بحث می‌شود (بابائی، 1389). که به تعداد نگاه اندیشمندان و رویکرد آن‌ها تفاوت یافته و گسترش می‌یابد. «علوی» همان نگاه و پارادایمی است که عناصر و لایه‌های فرهنگ در آن تفسیر، تبیین و تصدیق می‌شود که مقابل آن نگاه و پارادایم «اموی» و «غربی» قرار دارد.

«علوی» حاکی از گزاره‌ها و آموزه‌هایی است که مستند به قرآن و سنت رسول خدا (ص) است و در گفتمان حضرت امام (ره) به اسلام ناب محمدی (ص) تعبیر شده است (امام خمینی، ج 21: 11) و در مقابل آن اسلام امریکایی است (امام خمینی، ج 21: 21).

بنابراین مقصود از فرهنگ علوی گزاره‌ها، آموزه‌ها و عناصری است که در قالب هنجارها، ارزش‌ها، نمادها، فنون و ... با مرجعیت اسلام ناب محمدی (ص) در هم تنیده شده و فضای زیست و زندگی جامعه‌ی اسلامی را فراهم می‌کند تا در هوای آن مردم تنفس کرده و بر پایه‌ی آن، قواعد اجتماعی و انتظارات اجتماعی و قضاوت‌های فردی و جمعی هویت یابد که به تعبیر حضرت امام (ره) جهان تشنه‌ی آن است: «جهان تشنه‌ی فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) است» (امام خمینی، ج 21، ص 87).

جهانی شدن

واژه‌ی جهانی (global) از چهار صد سال پیش و اصطلاحاتی همچون جهانی شدن (globalization)، جهانی‌سازی (globalizing) و جهانی‌گرایی (globalism) از دهه‌ی 1960 در متون علمی و ادبی به کار گرفته شد (شجائی زند، 1382: 30). برخی چون آنتونی گیدنز (Gidenz Antony: 1938) نقطه‌ی آغاز جهانی شدن را در شکل‌گیری تجدد می‌دانند. مارکس (Karl Heinrich Marx: 1883-1818) و انگلس (Friedrich Engels: 1820-1895)، آغاز فرایند جهانی شدن را مستلزم درک و شناخت تاریخ سرمایه‌داری می‌دانند (گگل محمدی، 1386: 23). رولاند رابرتسون (Roland Robertson: 1992) جهانی شدن را هم زمان با آغاز دوره‌ی مدرنیته و ظهور سرمایه‌داری می‌داند؛ که از 1400 میلادی (مقارن رنسانس) تا امروز، مراحل تاریخی متعددی را طی کرده است و آخرین مرحله‌ی آن از سال 1969 آغاز شده و به دلیل رشد سریع رسانه‌های گروهی، ارتباطات و مسائل زیست‌محیطی جهانی، بسیار سرعت گرفته است (عبدالرسول، 1386: 251).

بحث جهانی شدن در دنیای غرب، بعد از دهه‌ی 70 میلادی، به گفتمان مسلط در محافل علمی و آکادمیک تبدیل شد؛ و نظریه‌ی دهه‌ی دهکده‌ی جهانی‌سازی (کلوهرمان (Herbert Marshall McLuhan: 1980-1911) و اصطلاح جامعه‌ی فراصنعتی دانیل بل (Daniel Bell: born: 1919) انعکاسی از آن بود. با این حال برخی اولین نویسندگان و اندیشمندان که در این زمینه سخن گفته‌اند را فردیناند تونیس (Ferdinand Tonnies: 1855-1936) در آلمان و گابریل تارد (Jean-Gabriel De Tarde: 1843-1904) در فرانسه می‌دانند (شیرودی، 1386: 10) و به گفته‌ی «کنت ان. والترز» «جهانی شدن پدیده‌ی عجیب و غریب دهه‌ی 1990 است که در آمریکا ساخته و پرداخته می‌شود» (والترز، 1379)؛ گرچه این معنی بعد روشن خواهد شد که این موضوع با جهانی‌سازی سازگار است تا جهانی شدن.

می‌توان گفت جهانی شدن در غرب واژه‌ی رایج ادبیات سیاسی بین‌الملل، اقتصاد و بازرگانی، جامعه‌شناسی، محیط زیست، هنر و فرهنگ شده و باز تعریف‌های متعددی در آن‌ها پیدا کرده است. شبکه‌ای بودن، فراگیر بودن، یکپارچگی، فشردگی زمان و مکان و وابستگی عمومی، نکته‌های مشترکی است که در همه‌ی آن‌ها به نوعی مورد تأکید و اشاره قرار گرفته است (پیشگامی فرد، 1380: 15) آن‌ها تأکید دارند که مفهوم جهانی شدن اشاره دارد به «افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولت‌ها دامن می‌گستراند و نظام جدید جهانی را می‌سازد» (والترز، 1379) و این که «سرشت دولت ملی درهم می‌شکند» (باستانی، 1379) و حد و مرزهای جغرافیایی در فعالیت‌های اقتصادی و تولید نقل و انتقالات مالی کم‌رنگ شده و کمترین نقش را خواهد داشت (سیدنورانی،

1379: 158). اجتماعاتی که پیش از این در کره‌ی خاکی دور افتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند و روابط اجتماعی پیچیده و درهم تنیده‌ای ایجاد می‌کند که در عین حال با نوعی توازن و یکپارچگی همراه است، تا جایی که به اعتقاد گیدنز اتفاقات هر محل، زاده‌ی حوادثی است که در کیلومترها دور به وقوع پیوسته است (کاستلر، 1378). همچنین از آن‌جایی که هویت از جایی کسب می‌شود که تأمین‌کننده‌ی کالای فرهنگی است (اردلان، 1379)، از این رو شکل‌دهی

فرهنگ جهانی توسط تولید کننده‌های کالاهای فرهنگی امکان‌پذیر می‌باشد؛ مگر این که مانند گیدنز جهانی شدن فرهنگی را بازاندیشی بدانیم و بر این باور بمانیم که جهانی شدن، همراه است با سنت‌زدایی از فرهنگ‌ها و فرایندی است که در راه تبدیل خصوصیات فرهنگی به بخشی از نظم فرهنگی جهان‌گستر پیش می‌رود (پیشگامی فرد، 1380: 22).

در این رویکرد هدف و مقصد جهانی شدن، عصر جهانی است و مشخصه‌ی عصر جهانی از نظر برخی اندیشمندان فرو ریختن مرزبندی‌های مصنوعی و حضور جدی مرزبندی‌های طبیعی است؛ مرزهایی که تابع سرزمین نیستند و توسط گروه‌های هم‌فکر و دارای منافع مشترک به وجود می‌آیند و در عین پراکندگی در سطح جهان، جوامع نوین و متداخلی را تشکیل می‌دهند که گروه‌های طرفدار محیط زیست یکی از آن‌ها است. در چنین شرایطی ملت‌ها هویت ملی خود را در تقدم دوم قرار خواهند داد و به تدریج هویت‌های جدیدی برای آن‌ها خلق می‌شود که ناشی از همبستگی‌های فکری، شغلی و یا قومی در نقاط مختلف جهان است (پیشگامی فرد، 1380: 29).

تأملی بر واژه شناسی جهانی شدن

«جهان» در کتاب‌های لغت مانند دهخدا، المنجد، آکسفورد و ویکی‌دیا به معنای عالم و گیتی آمده؛ و «جهانی» منسوب به جهان بوده که معنای فراگیری و سرتاسری از آن مراد می‌باشد.

در ادبیات فارسی «جهانی شدن» مصدر است که فاعلی خارجی نداشته و دلالت بر صیوررت و شدن می‌کند و زمان نیز در آن متصور نیست؛ یعنی خود جهان تغییر وضعیت می‌دهد به خاطر شرایطی که در خودش ایجاد می‌شود - یعنی با ایجاد شرایط آن وضعیت حاصل می‌شود - برخلاف «جهانی‌سازی» که اسم مصدر بوده و دارای فاعل خارجی است و زمان در آن متصور است. و این عامل خارجی است که با ایجاد شرایطی از بیرون جهان را در پروژه زمانی به چنین وضعیتی سوق می‌دهد بر خلاف جهانی شدن که در آن پروسه مطرح است و زمان در آن متصور نیست بلکه مراتب و شرایط است که با طی آن در یک پروسه طبیعی به آن وضعیت در می‌آید. چرا که ماده بعضی از الفاظ دلالت بر زمان دارد و زماندار هستند و ماده بعضی الفاظ دلالت بر زمان نمی‌کنند (مطهری، 1381).

دقت در معانی لغوی «جهانی شدن» ما را به نکات زیر دلالت می‌کند:

- 1- جهانی شدن مصدر بوده و فاعل خارجی در آن متصور نیست، بلکه هر نوع تغییر در آن در پی حصول شرایط زیستی مهیا می‌گردد که از درون برمی‌خیزد. مانند کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و پیری که هر کدام ویژگی خاصی دارد که عامل آن درونی است. اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ (الحديد آیه 20)
- 2- جهانی شدن از ویژگی‌های جوامع انسانی در سراسر جهان است و تابع نظام خاصی است که به خاطر عملکرد جوامع انسانی به اوصاف متفاوت متصف می‌شود. جهانی شدن نیز یکی از این اوصاف است که در آن به روابط انسانی و نوع زیست آن‌ها توجه می‌شود؛ مانند سنت، مدرنیسم و پست‌مدرنیسم که ناشی از ورود تکنولوژی به زندگی انسان‌ها و نقش‌آفرینی در آن می‌باشد.
- 3- جهانی شدن یک وضعیت است که از نوع تعاملات جوامع انسانی و سطح و عمق روابط بین آن‌ها در سطح دنیا انتزاع شده و به آن اطلاق می‌گردد.
- 4- حرکت جهان تابع دو حرکت و نظام است؛ نظام اول طبیعی است و دور از دسترس انسان می‌باشد؛ گرچه خالق هستی و مدبر نظام جهان یکی از عوامل اثرگذار در آن را نوع تعامل انسان با خدا و با دیگران قرار داده است (لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا

لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) «اعراف 96» که در پی این تعامل خشکسالی، زلزله، سیل و حوادث دیگر به وجود می‌آید که خارج از بحث ماست. حرکت و نظام دوم مربوط به جوامع انسانی است که از نظام واحدی تبعیت می‌کند و تابع احکام یکسان و عمومی است و سراسری و فراگیر بوده و شامل همه می‌شود (وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ) «اعراف آیه 34» در این نظام هر نوع تغییر به خود انسان‌ها واگذار شده است (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) «رعد 11».

تأملی در مفهوم شناسی جهانی شدن

در منطق دو مؤلفه‌ی جنس و فصل را شرط تعریف می‌دانند که اولی اشاره به اشتراکات و دومی دلالت بر افتراقات می‌کند. از این رو از اولی به فصل مشترک و از دومی به فصل ممیز یاد می‌شود (مظفر، 1362). «جهانی شدن» از یک سو یک چارچوب مفهومی برای تبیین واقعیت‌های جاری جهانی است و از سوی دیگر تبیین نوعی جهان‌بینی و نگرش درباره‌ی جهان به عنوان یک منظومه‌ی کلان و به هم پیوسته است؛ از این رو در ادبیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی با مفاهیم مختلف مورد تعریف قرار می‌گیرد. ولی همه‌ی آن‌ها اشاره به یک واقعیت دارد و آن این‌که این مؤلفه‌ها بدون انسان و رابطه‌ی او با دیگران معنی و مفهومی نخواهند داشت. یعنی هر پنج مؤلفه‌ی فوق، عنوانی است که رفتارها و عملکردهای انسان را در حوزه‌های مختلف معرفی می‌کند که بر محور روابط او با دیگران تفسیر و تبیین می‌گردد.

در خصوص مفهوم جهانی شدن معتقدم چند بحث را باید از هم جدا کرد. یک بحث راجع به جهانی شدن واقعی است. اگر قرار باشد یک امر جهانی بشود بایستی چه اتفاقی بیفتد؟ این یک بحث کاملاً نظری و فلسفی است؛ بحث فلسفی این‌که ما به چه چیزی «جهانی» می‌گوییم. بحثی هم در خصوص جهان کنونی است؛ یعنی جهان کنونی چه ویژگی‌هایی دارد و دارای چه مشخصاتی است؟ و بحثی دیگر درباره‌ی جهانی شدن مصطلح، یعنی Globalization است که امروزه از آن یاد می‌شود و به گونه‌ای ارتباط وثیقی هم با نظام سرمایه داری دارد. نکته آخر، نسبت اسلام و فرهنگ علوی با این مقوله‌ها چیست و نسبت اسلام با جهانی شدن واقعی، با جهان کنونی و جهانی شدن مصطلح چگونه است؟

جهانی شدن واقعی و حقیقی آن است که در سطح جهان‌بینی، شاهد فراگیر شدن یک امری باشیم؛ یعنی اموراتی که مربوط به لایه زیرین فرهنگ است، چون انسان‌ها سرشت واحد دارند. هر جا می‌خواهند باشند؛ فطرت دارند، طبیعت دارند. والا چهره عوض می‌کند و ضد خودش را تولید می‌کند. با توجه به سائقه‌های وجودی انسان (حق‌خواهی، کمال‌جویی، عدالت‌خواهی و زیبا دوستی) اگر یک جهان‌بینی بخواهد جهانی شده و پایه‌های رفتاری جمعی را شکل داده و جهان‌شمول باشد و الگوها و صنایع و فرهنگی را تولید و عمومی کند، بایستی واجد ویژگی‌هایی باشد. جهانی شدن واقعی باید بر پایه‌ی یک نگاه غایت‌گرایانه، جوهرگرایانه و خالق‌گرایانه استوار باشد تا جهانی شدن شکل بگیرد.

جهانی شدن حرکت به سوی یک جامعه جهانی واحد است که در آن، قید و بندهایی که بر روابط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سایه افکنده، از بین می‌رود و گویا عمده‌تاً یک جامعه و یک فرهنگ و تمدن در سراسر زمین مستقر خواهد شد و به تعبیر دیگر، جهان فشرده شده و از حالت کروی خارج شده و به شکل مسطح در می‌آید (عبدالرسول، 1386: 247) و هیچ نوع مانعی برای اطلاع از حوادث جاهای دیگر نیست، به طوری که مردم همدیگر را می‌بینند و صدای هم را می‌شنوند.

از نظر رولاند رابرتسون، جهانی شدن مفهومی است که به تراکم جهان و تشدید آگاهی درباره‌ی جهان به مثابه یک کل اشاره دارد که در چنین جامعه‌ای برقراری ارتباط میان افرادی که به فاصله‌ی خیلی دور از هم زندگی می‌کنند، به همان راحتی میان

همسایه‌ها خواهد بود (افروغ، 25:1387). افزایش ارتباطات جوامع با یکدیگر و افزایش امکان اثرگذاری بر تصمیمات دیگر جوامع، مؤلفه‌ی دیگری است که در مفهوم جهانی شدن، انکارناپذیر است (نهایندیان 17:1383) و گیدنز معتقد است، در جهانی شدن، روابط اجتماعی در سطح وسیع عمق می‌یابد؛ به گونه‌ای که فاصله‌ها نامحسوس شده و می‌توان علت وقوع یک حادثه در یک محل را، در منطقه‌ای کاملاً مجزا و دور جستجو کرد (نهایندیان، 1383). در چنین شرایطی هیچ حوزه محلی و حتی خصوصی و شخصی نمی‌تواند استقلال و انزوای خود را حفظ کند و حتی دور افتاده‌ترین مکان‌ها نیز به نوعی تحت تأثیر تحولات محیط جهانی خود قرار می‌گیرند (گل‌محمدی، 73:1382).

برای پرهیز از اطلاعاتی کلام می‌توان گفت مفاهیمی که در تعریف‌های جهانی شدن به کار گرفته شده است، عبارت‌اند از:

- 1- جهانی شدن به مثابه بین‌المللی شدن روابط و رفع همه‌ی موانع ارتباطی است؛
- 2- جهانی شدن به مثابه فرایند آزادسازی (لیبرالیزاسیون) است که در آن قیدهای اعتقادی برداشته شده و هر کس بر اساس منویات خود با آن برخورد می‌کند؛
- 3- جهانی شدن به مثابه جهان‌شمولی است که در آن رسانه‌های صوتی و تصویری و ارتباطی مانند اینترنت، تلویزیون، موبایل، ماهواره و ... نقش اساسی بازی می‌کنند؛
- 4- جهانی شدن به مثابه غربی‌سازی یا نوسازی به ویژه در شکل آمریکایی شده‌ی آن است، چنان که رهبر معظم انقلاب در سال 1379 در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر فرمودند: «این جهانی شدن، اسمش جهانی شدن است؛ اما باطنش آمریکایی شدن است» (بیانات مقام معظم رهبری).
- 5- جهانی شدن به مثابه از بین بردن مرزهای جغرافیایی یا گسترش فرایند فرامنطقه‌ای است (جاسبی، 23:1381).
- 6- جهانی شدن یک فرصت است که بتوان دیدگاه‌های مختلف و گفتمان‌های متفاوت و اندیشه‌های گوناگون را به نمایش گذاشت تا ضمن حفظ استقلال بتوان از توانمندی‌های دیگر جوامع در حداقل زمان بهره جست و بهترین‌ها را انتخاب نمود. به بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال 1388 در دیدار استادان و دانشجویان کردستان «اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان - استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی - و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند»؛
- 7- جهانی شدن فرایندی تک‌بعدی نیست، بلکه مجموعه‌ی فرایندهای پیچیده‌ای است که به موجب آن دولت‌های ملی به نحو فزاینده‌ای به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌شوند و جهانی شدن در واقع همکاری آگاهانه و یا الزامی ملت‌ها و فرهنگ‌ها جهت زیستن در یک جامعه‌ی واحد جهانی است. این پدیده فرایندی منسجم و یکپارچه است که در تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رسوخ کرده است.
- 8- جهانی شدن پدیده‌ای چالش‌گر است، به گونه‌ای که ابعاد آن، قلمرو بسیاری از مفاهیم کلاسیک همچون نظم، امنیت، دولت، حاکمیت ملی، هویت، اقتدار ملی، فرهنگ و ... را درنوردیده و زمینه را برای تفسیر و باز تعریف آن‌ها فراهم کرده است.
- 9- جهانی شدن یک فرایند و پروسه است نه یک وضعیت غایی. ما در جهانی شدن با فرایند «شدن» سروکار داریم که وضعیت‌های مختلفی را ایجاد می‌کند؛ فرایندی که به کمک عواملی همچون نظام ارتباط جهانی، سازمان‌های بین‌المللی و ... مرزهای ملی را نادیده گرفته و بسیاری از پدیده‌ها را دستخوش تحول و تبدیل و تأثیرپذیری کرده است؛ به طوری که گفته می‌شود جهانی شدن: اولاً روندی اجتناب‌ناپذیر است ثانیاً پدیده‌ای منتج از برخی تحولات اجتماعی است؛ و ثالثاً این فرایند به صورت

یک وضعیت پایدار باقی نمی ماند و عاقبت وارد مرحله دیگری می شود که برخی از آن به عنوان «یکپارچگی جهانی» یاد می کنند.

- 10- جهانی شدن با وجود تمامی مخالفت ها و موافقت ها، فی النفسه نه خیر است و نه شر، بلکه هم می تواند فرصت و مطلوب باشد و هم تهدید باشد. به عبارت دیگر، جهانی شدن هم منجی است و هم مهلک.
- 11- از پیامدهای عصر مدرنیته و پیشرفت رسانه های ارتباطی است که به سرعت در حال فراگیری تمام کشورهای جهان است. در فرایند جهانی شدن، دولت ها نقش چندانی ندارند، بلکه نقش عمده و اساسی برعهدهی مجامع بین المللی و شرکت های چند ملیتی می باشد. اصولاً جهانی شدن یک پدیده مرز ناسناس و مرزگشا است.
- 12- از ویژگی ها و مفاهیم دیگر جهانی شدن، رشد فزایندهی علم و تکنولوژی و تولید اطلاعات علمی است و این رشد بر نهادهای علمی و دینی از جنبه های گوناگون اثر می گذارد.

نگاه تحلیلی به اصول و پایه های جهانی شدن

گرچه جهانی شدن در عرصه ی اقتصاد در مفهوم امروزیین تولید و گفتمان عمومی شده است و سپس به سایر حوزه ها کشیده شده و حتی سازمان تجارت جهانی نیز تأسیس و برای عضویت در آن شرایطی وضع کرده اند. ولی با توجه به این که محور اصلی جهانی شدن در عالم انسانی اتفاق می افتد و با انسان معنی و مفهوم پیدا می کند، از این رو می توان فارغ از ابعاد و حوزه های به کارگیری مفهوم جهانی شدن به خود وضعیت جهانی شدن نگاه کرد و اصول کلی آن را برشمرد تا بتوان بر اساس آن تحلیلی رویکردی و پارادایم انجام داد. دقت در تعاریف حوزه های بکارگیری جهانی شدن، ما را به اصول و پایه های زیر رهنمون می سازد:

- 1- تشدید روابط اجتماعی جهانی
- 2- کم شدن فاصله های جغرافیایی
- 3- توسعه ی علم و تکنولوژی
- 4- انتقال سریع اطلاعات
- 5- کاهش نقش دولت ها در ایجاد روابط
- 6- بهره گیری از تجهیزات ماهواره ای و رایانه
- 7- ظهور فرهنگ جهانی.

نکته ی بارز در این اصول، این است که شش مورد اول، تابع مورد هفتم می باشد. به عبارت دیگر، فرهنگ جهانی پایه ی شکل گیری موارد دیگر است. چنان که در بحث فرهنگ گفته شد، لایه ی زیرین یعنی بایدها و نبایدها (ارزش ها، جهان بینی، هنجارها) پایه ی شکل گیری الگوهای رفتاری و مصنوعات فرهنگی است. تجهیزات، انتقال اطلاعات، توسعه ی علم و تکنولوژی از مصادیق مصنوعات فرهنگی است و تشدید روابط اجتماعی، کم شدن فاصله ها و کاهش نقش دولت ها از مصادیق الگوهای رفتاری است که بر پایه ی فرهنگ غرب (لیبرال دموکراسی) نشو و نمو پیدا کرده است و بر پایه ی عقل تجربی، لیبرالیسم و لذت گرایی هویت گرفته و گسترش یافته است (بابائی، 1389). اما باید توجه داشت که حتی خود مبلغان اصلی نظام لیبرال دموکراسی همانند فوکویاما، بر این باورند که فرهنگ جهانی غربی (آمریکایی) نمی تواند همه ی فرهنگ ها را در درون خود جذب کند (شرط اصلی جهانی شدن). وی بیان می دارد: «گرچه به باور اکثریت افراد، ما صاحب فناوری ارتباطی پیشرفته ای هستیم، و در آینده، قادر به هماهنگی فرهنگ در سطح جهانی، به عنوان یک طرح (پروژه ی) جهانی خواهیم بود، اما هنوز موفق نشده ایم. البته عوامل زیادی

مانع این همسان‌سازی هستند؛ همچون عدم اعتماد، و تأکید فراوان بر تفاوت‌های فرهنگی. هم‌اکنون آسیایی‌ها به انحطاط و ویرانی شهرها و زوال خانواده‌های آمریکایی می‌اندیشند» (فوکویاما، 1380). برخی دیگر از اندیشمندان معتقدند که جهانی شدن، به واسطه‌ی نادیده گرفتن فرهنگ‌های دیگر ملل و کوشش در غلبه دادن فرهنگ غربی بر دیگر کشورها، از جمله کشورهای اسلامی، روند معکوسی داشته است. برای نمونه، «برادل» معتقد است که اگر فکر کنیم «موفقیت یک تمدن به تنهایی، نقطه‌ی پایانی بر کثرت فرهنگی خواهد بود که سده‌ها در تمدن‌های عظیم جهانی تبلور یافته است»، دچار اندیشه‌ای ساده‌لوحانه شده‌ایم. وی می‌گوید: «بسیاری از جوامع غیرغربی، شاهد بازگشت به فرهنگ آبا و اجدادی خود هستند. چنین جوامعی معمولاً به قالب مذهبی فرو می‌روند؛ و بنابراین، دستاورد بی‌درنگ فرایند نوسازی، احیای فراگیر مذهب بوده است. در جوامع غیرغربی، این احیای مذهبی، در بیشتر مواقع، لزوماً حالت ضدغربی به خود می‌گیرد. در برخی موارد، فرهنگ غرب به بهانه‌ی مسیحی و مخرب بودن، پس زده می‌شود؛ و در پاره‌ای موارد، به سبب غلبه‌ی بی‌دینی و انحطاط، رستاخیز اسلامی، بار دیگر در همه کشورهای مسلمان بالیده و تقریباً در بیشتر جاها، در مسائل سیاسی، اثری ژرف داشته است ... مردم در سر تا سر جهان اسلام، در برابر آلوده شدن جوامع خود به غرب زهرآگین، به پاخاسته‌اند» (لوسانی، 404).

منطق و ابزارهای جهانی شدن در فرهنگ علوی

چنان که گفتیم «جهانی شدن» از یک سو یک چهارچوب مفهومی برای تبیین واقعیت‌های جاری جهانی است و از سوی دیگر تبیین نوعی جهان‌بینی و نگرش درباره‌ی جهان به عنوان یک منظومه‌ی کلان و به هم پیوسته است که بر محور ارتباطات هویت پیدا کرده و وضعیت می‌یابد. شکی نیست که کیفیت ارتباطات به دنبال رشد و توسعه‌ی وسایل ارتباطی اعم از صوتی و تصویری در 50 سال اخیر، تغییراتی زیادی یافته است. به دنبال آن مرزهای جغرافیایی در امر ارتباط بی‌هویت شده‌اند و به راحتی می‌توان در اقصی نقاط جهان در کمتر از یک ثانیه با هم ارتباط برقرار کرد که نقش مهمی در تعاملات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد کرده است. ولی نکته مهمی که باید به آن توجه کرد و چهره‌ی دیگر ابزارهای جهانی شدن را می‌سازد، فرهنگی است که تکنولوژی با خود حمل می‌کند و هر یک از آن‌ها با ورود خود تغییراتی در سبک‌ها و خواست‌ها ایجاد می‌کنند و مدها و الگوهای را ساخته و پرداخته می‌کنند و مهار حرکت انسانی را بر عهده می‌گیرند و بر او حکم کرده و او را به مقصود خود می‌رانند. (پستمن، 1380)

فرهنگ اسلام ناب یا علوی هیچ مخالفتی با تکنولوژی نداشته و آن را مرهون تجربیات چندین ساله‌ی انسان‌های می‌داند که در این عرصه تلاش‌ها کرده و جان‌های خود را فدا کرده‌اند و آن را نعمتی می‌داند که خداوند از ناحیه‌ی آن‌ها برای بهتر زیستن انسان‌ها به وجود می‌آورد. و آموزه‌ی «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَكُلُّوا بِالصَّيْنِ إِنَّ طَلْبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (حرالعاملی، 1403ق: 27) در تارک و قلعه‌ی این فرهنگ قرار دارد و این فرهنگ، یادگیری علوم را برای همه واجب می‌شمارد و آن را گمشده‌ی مؤمن می‌شناسد. همچنان که مقام معظم رهبری در بیانات سال 1381 در دیدار جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری و افراد ممتاز آزمون‌های سراسری سال 80 و 1381 می‌فرماید: «اسلام افراد را به طلب علم تحریض کرده و باید طلب علم کرد. هر جای دنیا که علمی وجود دارد و می‌توان از آن استفاده کرد و برای رفتن ما مجذوری وجود ندارد، باید رفت و علم را برای ملت و کشوری که متعلق به آن هستیم، به دست آورد.»

تفاوت جدی که بین فرهنگ علوی و فرهنگ غربی است، در چگونگی استفاده از ابزارها و تکنولوژی می‌باشد. در فرهنگ علوی تکنولوژی و تجهیزات، ابزارهای برای بهتر زیستن و رشد و کمال انسان‌ها است و هر چیزی که بتواند این امر را تسهیل

کند، مورد تأیید آن بوده و بر آن پای می‌فشارد. در مقابل در فرهنگ غرب این ابزارها عموماً با هدف سود و منافع اختراع شده و به کارگرفته می‌شود و اصولاً فرهنگ سرمایه‌داری بر پایه‌ی لیبرالیسم و فردگرایی و لذت‌گرایی بنا شده است که نتیجه‌ی آن چپاول حقوق 99 درصدی مردم توسط یک درصد و خیزش جنبش ضدوالاستریت می‌باشد.

رویکرد فرهنگ علوی به جهانی شدن

در فرهنگ علوی جامعه‌ی انسانی تابع نظام و سنت‌هایی است که از طرف خداوند برای هدایت و سعادت و زندگی انسان‌ها تنظیم شده است. سرآغاز این نظام به زمانی برمی‌گردد که حضرت آدم و حوا علیهم‌السلام به وسوس شیطانی از جایگاه بهشتی هبوط کرده و پا به دنیا گذاشتند و زایش‌های انسانی آغاز گردید. فَأَزَلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ (بقره/ 36) بعد از هبوط انسان به زمین، خداوند انسان را رها نکرده و به حال خود وانگذاشته است، بلکه برای او نظام و قوانین و قواعد زندگی را در قالب آموزه‌های دینی توسط پیامبران(ع) ارسال کرده که به تبعیت از آن بتواند به جایگاه اصلی خویش برگردد (فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى) (طه /123)

خداوند که این نظام تشریحی و تکوینی را برای انسان‌ها رقم زده است، تنها برای قوم و ملت خاصی نبوده است، یعنی مورد خطاب دستورات خدا نوع انسان است و پیامبران فرستاده شده برای اقوام مختلف، یک پیام را تبلیغ می‌کردند. یعنی تعدد آنها به خاطر نبود امکانات ارتباطی بوده است، نه این که پیام‌های متعدد داشتند و آیه‌ی (قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا مِن قِبَلِهِمْ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ) (البقره/136) اشاره به این پیام مهم دارد؛ چراکه انسان یک نوع بیشتر نیست و انسان ایرانی با انسان جاهای دیگر و انسان‌های قرون گذشته تفاوتی از نظر خلقتی و آفرینشی ندارند. آنچه برای انسان ایرانی مفید است یا ضرر دارد، برای انسان آمریکایی و اروپایی نیز مفید است یا ضرر دارد. لذا وقتی از آن‌ها سؤال می‌شود که روزی‌دهنده‌ی شما کیست و چه کسی شما را خلق کرده است، همه با این که از نظر جغرافیایی و محیط زندگی در مکان‌ها و دوره‌های مختلف هستند، یک جواب واحد دارند؛ یعنی «الله». قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (يونس /31)

بنابراین پیام‌های الهی منطقه‌ای و بخشی نیست، بلکه به همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها تعلق دارد و گستره‌ی آن همه‌ی بخش‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد و متعلق پیام، فطرت پاک انسان‌ها هست که در همه مشترک و واحد بوده و زمان‌بردار نبوده و مکان جغرافیایی نقشی در هویت آن ندارد. پیام همه‌ی آن‌ها بندگی خدا و طرد طاغوت می‌باشد (وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَبُوا الطَّاعُونَ) (نحل / 36) و هدف آن کمال‌یابی انسان و تأمین خوشبختی و سعادت او در تمام مراحل زندگی است. لذا از یک طرف فرا انسانی است و حاکی از یک نظام برتر و ماقبل انسانی است و از طرفی هماهنگ با سائقه‌های انسانی است و با نهاد انسان‌ها آمیختگی داشته، موجبات خودانگیختگی را برای او فراهم می‌کند و همه را به طرف آن سوق می‌دهد فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّا أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم /30).

این پیام‌دهی در زمان ما به خاطر ایجاد شرایط و امکان ارتباط جمعی آسان و سریع شده است و به راحتی می‌توان از طریق رسانه‌های ارتباطی مانند اینترنت، تلفن همراه و تلویزیون و ... پیام‌رسانی را انجام داد. لذا نیازی به ارسال مبلغ و پیام‌رسان مانند دوره‌های گذشته نیست که یک پیام را به همه برسانند.

سائقه‌های جهانی شدن در فرهنگ علوی

در فرهنگ علوی، جهانی شدن دارای دو عامل است. عامل اول بیرونی است و به نظامی بر می‌گردد که بر جهان حاکم است و جهان به طرف آن در حرکت است و گریزی از آن نیست (فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا) (فاطر/43) و عدم همراهی با این حرکت جمعی باعث نابودی شده و در صورت اصرار بر حرکت انحرافی باعث حذف کلی و جایگزینی با دیگران می‌شود (إِنْ يَشَأْ يُدْهِبْكُمْ وَ يَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَةِ قَوْمٍ آخَرِينَ) (الانعام/133).

عامل دوم، درونی است که به خلقت انسان‌ها بر می‌گردد و در ذات و نهان همه موجود است و انسان را به طرف ایجاد جامعه‌ی ایده‌آل جهانی سوق می‌دهد و همه مشتاق رسیدن به آن هستند و زندگی بر اساس آن پی‌ریزی می‌شود و شاید بتوان گفت با حذف آن حرکت و پویایی از زندگی و جوامع انسانی برچیده می‌شود. این عامل، همان سائقه‌های است که به کمک آن‌ها بسترهای خیزشی جهانی شدن فراهم می‌گردد که عبارت‌اند از:

1- کمال‌خواهی: همه‌ی انسان‌ها از هر نوع نژاد و ملیتی و در هر زمان و مکانی باشند، به دنبال کمال هستند. این سائقه بستر رشد و توسعه را فراهم می‌کند و باعث می‌شود انسان به وضع موجود قانع نشده و همواره به طرف وضع مطلوب حرکت نماید. یا
أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (إنشاق /6)

2- حق‌طلبی: تلاش‌های علمی و تحقیقات، ناشی از این سائقه‌ای است که در نهاد انسان‌ها به ودیعه نهاده شده است تا در سایه‌ی آن بتوانند حقایق را کشف کرده و به تسخیر خود در آورند. علم‌مدیون این سائقه است و با حذف آن چراغ علم خاموش خواهد شد. آنچه از پیشرفت‌های تکنولوژی و تجهیزات در حوزه‌های مختلف دیده می‌شود، نتیجه‌ی شکوفایی این سائقه است.

3- زیبادوستی: زیبادوستی جزء فطرت انسان است، تا آنجا که شیطان نیز بدی‌ها را زیبا نشان می‌دهد (فَزَيْنَ لَّهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ) (نحل /63) تا انسان را وادار به انجام کاری کند (تفسیر هدایت، ج5: 366) هنر و مدها و الگوهای مختلف، حاصل این سائقه بوده و با حذف آن، دیگر انسان به دنبال مدل‌های مختلف نخواهد رفت و برایش فرقی نخواهد کرد که لباسش چه رنگ و مدلی داشته باشد.

4- عدالت‌خواهی: هیچ کس ظلم را دوست ندارد. حتی ظالم‌ترین افراد، خود را ظالم نمی‌شناسند و کارهای خود را عین خوبی و بهترین‌ها می‌شناسند. الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (کهف /104) آن‌ها هم وقتی مورد عتاب و سرزنش قرار می‌گیرند که در زمین فساد نکرده و موجبات ناراحتی دیگران را فراهم نکنید خود را اصلاح طلب معرفی می‌کنند (وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ) (البقره/11).

چشم‌انداز جهانی شدن در فرهنگ علوی

افقی که آیات و روایات برای جهان فردا تعریف کرده‌اند و تصویری که از آن به نمایش می‌گذارند، افق روشن و آینده‌ی فرح-بخش و شوق‌انگیزی است. فضای امنی است که با حاکمیت مؤمنین و صالحان در زمین گسترش پیدا کرده و اطاعت و تبعیت از خدا جهان‌شمول شده و فرقه‌ها و عرفان‌های کاذب طرد شده و آموزه‌های اسلام ناب عمومی می‌گردد. مهمترین و اصلی‌ترین مقوله‌های چشم‌انداز جهانی شدن در فرهنگ علوی به صورت زیر می‌باشد:

1- حاکمیت مؤمنین و صالحین (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ)

2- حاکمیت دین الهی (وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ)

3- امنیت و آرامش (وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا)

4- عبادت و بندگی خاص خدا (يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا) (نور/55)

استراتژی جهانی شدن در فرهنگی علوی

برای رسیدن به افق و چشم‌انداز فرهنگ علوی از چه استراتژی‌ای باید تبعیت کرد؟ دقت در آیات و روایات، گویای این است که استراتژی اصلی فرهنگ علوی دو بخش اساسی دارد:

1- داشتن افکار مناسب یا ایمان و اندیشه‌ی توحیدی

2- عملکرد به تناسب افکار یا عمل صالح

(الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ). (رعد/29)

ایمان و عمل صالح، دو مؤلفه‌ای است که استراتژی رسیدن به جامعه‌ی جهانی ایده‌آل فرهنگ علوی را ترسیم می‌کند. ایمان پایه‌های رفتاری و پشتیبان علمی رفتارها را می‌سازد که حُسن فاعلی نیز از همین مولفه شکل می‌گیرد؛ و عمل صالح رفتاری است که به تناسب و هماهنگی با ایمان و با پشتیبان علمی و ادراکی صحیح شکل می‌گیرد (مکارم شیرازی، 1369، ج 10: 210) که مهم‌ترین شاخصه‌ی آن درک چند نکته‌ی مهم است: این که بشناسد از کجا آمده است و در کجا قرار گرفته است و به کجا می‌خواهد برود (رَحِمَ اللَّهُ أُمَّرَةً عِلْمَ مِنْ آيِنَ فِي آيِنَ وَ إِلَى آيِنَ). با تشخیص این سه نکته رفتار از نظر مقدار و چگونگی تبیین می‌گردد و موجبات رشد و ترقی فرد را فراهم می‌کند.

(إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ) (فاطر/10)

تنها داشتن افکار پاک و یا اندیشه‌ی ناب، توان حرکتی ندارد و هیچ تحول بنیادی در فرد و جامعه از نگاه فرهنگ علوی ایجاد نمی‌کند (مَنْ أَرَادَهُ الْآخِرَةَ وَ سَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا) (اسراء/19). گرچه داشتن فکر خوب و اندیشه‌ی پاک فی‌نفسه بهتر است (نیت المؤمن خیر من عمله)، ولی فکر، اندیشه‌ی خوب و ایمان، زمانی مؤثر خواهد بود که به عمل تبدیل شود که با تحقق آن، فرد و جامعه ظرفیت وجودی پیدا کرده و آماده‌ی دریافت افکار جدید و ایجاد فضای رفتاری دیگری می‌شود که لازمه‌ی رشد و ترقی فرد و جامعه است.

مکانیزم جهانی شدن در فرهنگ علوی

در فرهنگ علوی با توجه به این که سائق‌های درونی، تحت یک نظام ماورای انسانی شکلمی گیرند و هدایت می‌شوند، همه‌ی انسان‌ها خواسته و ناخواسته به طرف آن در حرکت هستند. تنها تفاوت در این است که هر فرد یا جامعه چقدر می‌تواند بسترساز این حرکت باشد و در تحقق آن نقش‌آفرینی بکند. این به اراده و اختیار خود انسان‌ها و جوامع بر می‌گردد. به عبارت دیگر، ورود به این عرصه، امری اختیاری است و هیچ الزام داخلی و بیرونی، انسان را وادار به آن نمی‌کند؛ گرچه راه روشن و نشان‌های آن به خوبی تبیین شده است (لاِکْرَاهَ فِی الدِّینِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ) (بقره/156)؛ چرا که در منطق الهی و مشیت الهی چنین رقم خورده است که این امر به اختیار باشد (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینظروا ما بانفسهم) و ورود به این عرصه مثل هر عرصه‌ی دیگر، تمرین و صبر و پایداری می‌خواهد. (قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) (الاعراف/128).

از طرفی در فرهنگ علوی، تشکیل امت واحده‌ی جهانی اسلام نوید داده شده ولیکن آن را منوط به از بین رفتن و نابودی ملت‌ها و سایر ادیان نمی‌کند. با استناد به آیات و روایات می‌توان گفت که تنها معیار تحقق جامعه‌ی جهانی از دیدگاه اسلام، داشتن عقیده‌ی توحیدی است نه وحدت عقیده‌ها؛ چنان‌که در قرآن می‌خوانیم: إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قُمْ فَاَنْزِلْ فِي الْبَلَدِ الْمَكِينِ وَرَافِعَكَ إِلَىٰ وَ مَطْهَرَكُم مِّنَ الْكُفْرِ وَ كَفَرُوا وَ جَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَحْكُم بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (آل عمران/55) «به یادآور وقتی که خداوند فرمود ای عیسی همانا من روح تو را قبض نموده و بر آسمان بالا برم و تو را پاک و منزّه از معاشرت کافران گردانم و پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری دهم». از این آیه به روشنی استفاده می‌شود که آیین مسیح (علیه السلام) تا روز قیامت موجودیت خود را حفظ خواهد کرد و همان‌گونه که بسیاری از مفسران گفته‌اند، این امت، برتری نسبی خودش را بر کفار برای همیشه حفظ می‌کند.

همچنین در آیات 7 و 8 سوره اسرا می‌خوانیم: فَأَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرِ لِيَسُوؤُوا وَجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوا مَا عَلَّمُوا تَبْيِيرًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَ إِنْ عُدْتُمْ عَلَيْنَا وَ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا. «و آن‌گاه که وقت انتقام ظلم دیگر شما فرا رسید اثر بیچارگی و خوف و اندوه و رخسار شما ظاهر شد و به مسجد بیت‌المقدس مانند بار اول درآیند و به هر چه رسند نابود سازند و به هر کسی تسلط یابند به سختی هلاک گردانند. امید است خدا به شما باز مهربان گردد و اگر به عصیان و ستمگری برگردید، ما هم به مجازات شما باز می‌گردیم و جهنم را زندان کافران قرار داده‌ایم». این آیه‌ی شریفه از سرنوشت یهود در آخر الزمان و مقارن ظهور مهدی (عج) سخن می‌گوید و چنین استنباط می‌شود که آیین یهود نیز همانند مسیحیت تا پایان جهان باقی خواهد ماند (مکارم شیرازی 1369، ج 12: 35)

گذشته از آیات قرآن کریم هنگامی که به سیره‌ی پیامبر (ص) و پیمان‌های متعددی که با قبایل و گروه‌های مختلف برقرار ساخته است مراجعه کنیم، به روشنی خواهیم دید که پیامبر اکرم (ص) در صدد نابودی مذاهب و حتی آداب و رسوم غیره نبوده است. برای نمونه می‌توان به پیمان‌های صلح پیامبر با یهودیان مدینه و نصارای نجران مراجعه کرد.

از آنچه گفته شد، به دست می‌آید که اسلام حتی در زمانی که در اوج قدرت خویش بود، در صدد از هم پاشیدن و نابودی ملت‌ها و تبدیل آن‌ها به امت واحد از نظر آداب و رسوم و سایر ویژگی‌ها نبوده است و تنها معیار امت واحد از دیدگاه فرهنگ علوی، داشتن عقیده توحیدی است. به عبارت دیگر اسلام ناب یا فرهنگ علوی معتقد به جامعه‌ی جهانی با حفظ ملیت‌های مختلف است نه، حذف ملیت‌های مختلف؛ وضعیتی که شبیه حکومت فدرال و فدراسیون می‌باشد.

علامه مجلسی از امام صادق (ع) روایت کرده که به ابوبصیر فرمود: «ای ابومحمد مثل این است که می بینم حضرت قائم (عج) با فرزندانش در مسجد سهله فرود آمده اند». ابوبصیر گفت: «قائم (عج) در مورد اهل ذمه چگونه رفتار خواهد کرد؟» امام پاسخ داد: «همانگونه که پیامبر (ص) با آنان صلح کرد، مهدی (عج) نیز با آنها صلح می کند و در دوران مهدی (عج) و حکومت اسلامی با قبول حاکمیت اسلام و پرداخت مالیات جزیه، زندگی مسالمت آمیزی خواهند داشت (بحارالانوار، ج 52: 376).

از طرفی در روایات مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) می خوانیم که هیچ خانه ای در شهر و بیابان نمی ماند مگر این که توحید در آن نفوذ می کند، یعنی اسلام به صورت یک آیین رسمی همه ی جهان را فرا خواهد گرفت و حکومت به صورت یک حکومت اسلامی درمی آید، و غیر از قوانین اسلام چیزی بر جهان حکومت نخواهد داشت، ولی هیچ مانعی ندارد که اقلیتی از یهود و نصاری، در پناه حکومت حضرت مهدی (عج) با شرایط (اهل ذمه) وجود داشته باشند، زیرا می دانیم حضرت مهدی (عج) مردم را از روی اجبار به اسلام نمی کشاند، بلکه با منطق پیش می رود، و توسل او به قدرت و نیروی نظامی برای بسط عدالت، و برانداختن حکومت های ظلم و قرار دادن جهان در زیر پرچم عدالت اسلام است، نه برای اجبار به پذیرفتن این آیین؛ و گرنه آزادی و اختیار مفهومی نخواهد داشت (مکارم شیرازی، 1369 ج 2: 572).

ویژگی های جهانی شدن در فرهنگ علوی

نکته ی مهم در ابتدای این بحث، آن است که ما مدعی نیستیم پدیده های معاصر مانند جهانی شدن، با همین بار معنایی و شبکه ی مفهومی آن در عصر حاضر، در متون اسلامی آمده است؛ بلکه معتقدیم که پدیده های فکری هر عصری، مبانی معرفتی خاص خود را دارند که ناشی از جهان بینی ها و ایدئولوژی های حاکم بر آنهاست. ما براین باوریم که اسلام مبادی فکری و نظری قوی و جامعی دارد که اگر به زبان روز استخراج و تبیین شود، می تواند چراغی فروزان فرا راه انسان معاصر باشد. البته کتب مقدس دیگر نیز مانند عهدین، ادعای ارائه ی این مبادی را دارند، اما مقایسه ی مبانی فکری اسلام با دیگر ادیان مقدس، برتری بی چون و چرای اسلام و قرآن را ثابت می کند (بوکای، 1364). از این رو باید گفت آنچه امروزه از آن تحت عنوان فرایند جهانی شدن نام برده می شود، علی رغم وجود نزدیکی و شباهت ها از جمله حذف مرزهای جغرافیایی و سیاسی، با مفهوم جهانی شدن از دیدگاه اسلام مطابقت ندارد. مسلم آن است که اسلام منافاتی با موضوع جهانی شدن ندارد، ولی ویژگی های جهانی شدن از منظر اسلام و فرهنگ علوی، با ویژگی های اصطلاحی امروزی آن متفاوت می باشد.

1- **هویت جهان شمول آموزه های فرهنگ علوی:** مروری بر مفاد متون دین و فرهنگ علوی، ما را به این واقعیت غیرقابل انکار روبه رو می سازد که دین اسلام یک دین جهانی است و در تجربه ی تاریخی خود همواره برای جهانی شدن کوشیده است. مسئله جهانی شدن و تشکیل جامعه ی جهانی و حکومت جهانی از مفروضات اصلی فرهنگ علوی است و مستندات و ادله زیادی در آیات و روایات به این موضوع تأکید دارند که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ (الاعراف / 158) بگو ای مردم من فرستاده ی خدا به سوی شما هستم.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سبأ / 28) «ما تو را برای همه ی مردم فرستادیم تا

بشارت دهنده و بیم دهنده ی آنها باشید؛ گرچه اکثر مردم این را نمی دانند».

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (الأنبياء / 107) «و ما تو را نفرستادیم مگر این که مایه ی رحمت برای جهانیان و

مردم باشی».

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (آل عمران /33) «همانا خداوند حضرت آدم، آل ابراهیم و آل عمران را برای جهانیان فرستاده است».

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (الصف /9 و توبه/33) وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (فتح/28). او خدایی است که رسولش را برای هدایت دین حق فرستاده است تا بر همه‌ی ادیان حاکم گردد؛ گرچه مشرکان از این کار ناراحت شوند. و تنها شهادت خداوند براین کار کفایت می‌کند.

پیام مهم آیات، این است که دین و آموزه‌هایی که توسط پیامبر(ص) ارائه شده، منطقه‌ای نبوده، بلکه برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها بوده و جهان‌شمول می‌باشد و مرزی جغرافیایی برنمی‌تابد.

2- حاکمیت اسلام و انقلاب بزرگ جهانی حضرت مهدی(عج): جهانی شدن با رویکرد فرهنگ علوی، با بزرگ‌ترین رویداد تاریخ بشر و عظیم‌ترین و گسترده‌ترین انقلاب تاریخ، یعنی انقلاب بزرگ جهانی حضرت مهدی(ع) همراه خواهد شد. در دوران ظهور مهدی آل محمد(ص) اسلام بر سراسر جهان حاکم می‌گردد و حکومت جهانی اسلامی تشکیل خواهد شد. علامه مجلسی در بحار الانوار جلد‌های 51 و 52 این روایات را جمع‌آوری کرده است که فقط به یک مورد اکتفا می‌کنیم. پیامبراسلام (ص) فرمود: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَكَزَكَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا فَقَالَ رَجُلٌ مَا صِحَاحًا قَالَ بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ (بحار الأنوار، ج 51: ص 92، باب 1) شما را به مهدی، بشارت می‌دهم. او در بینامت من برانگیخته می‌شود، در حالی که بین مردم اختلاف و ناراحتی است و زمین را از قسط و عدل پر می‌نماید، همان‌طوری که از ستم لبریز شده است و ساکنان آسمان و زمین از او راضی می‌شوند و مال و ثروت را صحیح تقسیم می‌کند (مجلسی، بحار الانوار، ج 51، ص 78).

3- حاکمیت نیکوکاران و صالحان: آیات و روایات، بیانگر این است که جهان آینده از آن صالحان و مؤمنین و پرهیزگاران بوده و پاکان بر جهان حاکم خواهند بود و دین الهی توسط آنان جهانی شده و گسترش می‌یابد.

وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (الأنبياء /105) «همانا در کتاب زبور داوود نوشتیم که همانا این بندگان صالح هستند که بر جهان حاکم خواهند شد».

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْخَرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيَكْفُرَنَّ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا (نور/55) «خداوند به مؤمنین و صالحین وعده داده است که هر آینه در زمین به جانشینی و استخلاف می‌رسند همچنان که قبل از آن‌ها به خلافت رسیدند و هر آینه دینی که مورد پسند آنان می‌باشد به حاکمیت رساند و وضعیت آنان بعد از ترس و وحشت به امن و آرامش تبدیل گردد و به خدا شرک نوزند».

4- زندگی مسالمت‌آمیز و به رسمیت شناختن دیگر فرهنگ‌ها: در آموزه‌های فرهنگی وجود گروه‌ها و قبایل دیگر به رسمیت شناخته می‌شود و تنوع فرهنگی و قومی و مذهبی مورد قبول بوده و در زمان حاکمیت فرهنگ علوی همه در سایه‌ی اسلام زندگی مسالمت‌آمیز خواهند داشت.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (الحجرات /13) «ای مردم ما شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن‌گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست».

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (البقرة / 208) «ای اهل ایمان همه متفقاً نسبت به او امر خدا در مقام تسلیم درآیید و از دسیسه‌های تفرقه‌آور شیطان پیروی نکنید».

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً (آل عمران/64) «بگوای اهل کتاب بیایید از آن کلمه‌ی حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم و به جز خدای یکتا هیچ‌کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم»

5- **اختیاری بودن:** در دوره‌ی حاکمیت فرهنگ علوی و جهان‌شمولی و استقرار آن در سراسر جهان، ورود پیروان سایر ادیان به آیین اسلام اجباری نخواهد بود، بلکه همسان دوره‌ی رسالت رسول خدا (ص) آزاد و اختیاری خواهد بود و با پرداخت مالیات جزیه از خدمات دولت و حکومت اسلامی بهره خواهند برد و الزام و اجبار و جنگ حضرت مهدی (عج) با آنانی خواهد بود که یا در دین توحیدی نباشند و یا این که بر علیه حاکمیت اسلام قیام کرده و شمشیر بکشند و بر حدود الهی تجاوز کرده و حقوق الهی را ضایع نمایند.

6- **ثبات در قوانین و مقررات:** با وجود گستردگی آموزه‌های فرهنگ علوی در عصر جهانی، این آموزه‌ها تابع موقعیت جغرافیایی و وضعیت‌های پیش آمده نخواهند بود. هیچ حلالی به حرام و یا حرامی به حلال به خاطر شرایط و موقعیت‌ها تبدیل نخواهد شد؛ مگر این که حکم ثانوی پیدا کنند (امام خمینی، 1362)

نتیجه‌گیری

جهانی شدن از این دید که باعث تحول تکنولوژیک ارتباطی شده و امکان دسترسی سریع‌تر و منسجم‌تر افراد را در سرتاسر جهان فراهم کرده است، می‌تواند به عنوان امکانی که در جهت رشد و توسعه‌ی ارزش‌های نیک انسانی مورد استفاده قرار گیرد (عاملی، 1382). با این رویکرد، جهانی شدن، فرصتی است مناسب برای گسترش تعالیم والای اسلامی و زمینه‌ای است برای تحقق حکومت جهانی اسلام؛ آن چنان که در آیات قرآن کریم بدان وعده داده شده است: «لیظهره علی الدین کله». قدر مسلم، جهانی شدن را در هر مفهومی که به کار ببریم، پدیده‌ای دوسویه است و به همان نسبت که در جهت یکنواختی، یکپارچگی، به-هم‌فشرده‌گی و پیوستگی جهانی عمل می‌کند، امکانات و فرصت‌هایی را برای بروز قوم‌گرایی، فرقه‌گرایی و تنوع و تکثر فرهنگ‌های بومی محلی، ملی و مذهبی نیز فراهم می‌کند. در حقیقت باید در انتظار کثرت در وحدت بود و اگر فرهنگ علوی برای تقویت عوامل مقاوم و بازدارنده، با واقع‌بینی و شناخت صحیح در جهت بهره‌گیری مطلوب و تعامل سازنده از سایر فرهنگ‌ها خود را آماده کند و با هویت پویا و با استحکامی از عقاید، باورها و رفتارهای مذهبی خود را فراهم نماید، خواهد توانست از فرصت جهانی پیش آمده، برای رشد و گسترش خود استفاده نماید (توکلی، 1384).

به عبارت دیگر، حقیقت فرهنگ علوی در صورتی که به زبان روز و با در نظر گرفتن شرایط جهانی با استفاده از منابع غنی شیعی تبلیغ و ترویج شود و از مسائل و ابزارهای جهانی شدن همچون اینترنت، ماهواره و نظام‌های اطلاعاتی جهانشمول طبق برنامه‌های حساب شده و با اتکا به دانش روز بهره‌گیری نماید، قادر خواهد بود عقاید، باورها و ارزش‌های ناب و بشر دوستانه‌ی خود را در کنار سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و در تعامل و گفتگوی با آن‌ها عرضه و تبلیغ کند و به دنبال آن، هویت واقعی فرهنگ علوی، ضمن ارتقاء به سطح بالاتر، در مقیاس جهانی، تثبیت و تحکیم شود و یکی از منابع ارزشی و معرفتی برای سایر فرهنگ‌ها تلقی گردد.

فهرست منابع:

قرآن

نهج البلاغه

- ابن ابی الحدید، م. "شرح نهج البلاغه" (جلد 20)، قم، اسماعیلیان.
- اردلان، ا. (1379)، "پدیده جهانی شدن و حقوق فرهنگی"، سیاست خارجی، شماره 2.
- افروغ، ع. (بدون تاریخ)، *afrough*. بازیابی از *mihanblog*.
- افروغ، ع. (1387)، "ما و جهانی شدن"، تهران، سوره مهر.
- بابائی، م. ب. (1384)، "مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه علی (ع)"، تهران، دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد.
- بابائی، م. (1389)، "مهندسی مدیریت در فرهنگ علوی"، تهران، دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- باستانی، م. ح. (1379)، "جهانی بیاندیشیم و جهانی عمل کنیم"، دوران (بیستم دی ماه).
- بوکای، م. (1364)، "مقایسه میان تورات انجیل قرآن و علم"، ترجمه دبیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پستمن، ن. (1380)، "تکنو پولی"، ترجمه ص. طباطبائی، تهران، اطلاعات.
- پیشگامی فرد، ز. (1380)، "نگرشی ژئوپولیتیکی بر پدیده جهانی شدن"، تهران، دانشگاه امام حسین (ع).
- توکلی، غ. ع. (1384)، "خردنامه همشهری"، 12.
- جاسبی، ع. (1381)، "کلیاتی پیرامون جهانی شدن"، تهران، دفتر فرهنگ مقاومت.
- حرالعاملی، م. (1403ق)، "وسایل الشیعه"، بیروت، مکتبه الاسلامیه.
- خمینی، ر. (1362)، "ولایت فقیه (حکومت اسلامی)"، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- (1384)، "صحیفه امام"، تهران، مرکز نشر آثار امام.
- (1368)، "وصیت نامه سیاسی و عباد"، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سیدنورانی، س. م. (1379)، "جهانی شدن کشورهای در حال توسعه و ایران"، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، 158.
- شجائی زند، ع. (1382)، "جهانی شدن و دین و متدها و چالشها"، قم، دبیرخانه دین پژوهان کشور.
- شیرودی، م. (1386)، "جهانی سازی در عرصه فرهنگ و سیاست"، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- عاملی (1382)، "جهانی شدن ها: غربی شدن و اسلامی شدن جهان"، تهران، مجمع تقریب مذاهب.
- عبدالرسول، ب. (1386)، "فرهنگ واژهها"، قم، اندیشه و فرهنگ اسلام.
- فوکویاما، ف. (1380)، "ارزش های فرهنگی و جهانی شدن"، همشهری.
- کاستلر، امانوئل (1378)، "پیام یونسکو"، پیام یونسکو، 40.
- گل محمدی، ا. (1386)، "جهانی شدن، فرهنگ، هویت" تهران، نی.
- گل محمدی، ی. (1382)، "فرهنگ در عصر جهانی شدن (مجموعه مقالات)"، تهران، روزنه.
- لواسانی، س. س. (بی تا)، "جهانی سازی: تهدیدها و فرصت ها در عرصه فرهنگ و دین"، جهان شمولی اسلام و جهانی سازی (2) (مجموعه مقالات)، تهران.
- مجلسی، م. (بی تا)، "بحارالانوار"، بیروت، دارالرضا.
- مطهری، م. (1362)، "اسلام و مقتضیات زمان"، تهران، صدرا.

- (1362)، "انسان در قرآن"، تهران، صدرا.
- (1362)، "جهان بینی توحیدی"، تهران، صدرا.
- (1381)، "فلسفه تاریخ" مجلد 2، قم، صدرا.
- (1363)، "مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی"، تهران، صدرا.
- مظفر، م. (1362)، "المنطق"، قم، فیروز آبادی.
- مکارم شیرازی، ن. (1375)، "پیام امام، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه"، دارالکتب الاسلامیه.
- (1369)، "تفسیر نمونه"، قم، نشر فرهنگ اسلامی.
- نهایندیان، م. (1383)، "ما و جهانی شدن"، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات زندگی.
- والترز، ک.ا. (1379)، "جهانی شدن راه بی‌بازگشت"، حیات نو.